

و انرا هیچ نوع رؤیت ممکن نیست مگر بحسب تزلزل
آن مراتب تزلزلات مثبت و اضافات اما هر مرتبه
از مراتب سبعة قلبیه که تزلزل میکند بحسب آن مرتبه لونی
و یقینی یابد وجود اندر کمال خویش ساریست
یعنیها امور اعتباریست امور اعتباری نیست موهوم
عدد بسیار و یکی نیست معروض اما مراتب سبعة
قلبیة هفت است **اول** سانی **دوم** نفسی **سیم** قلبی
چهارم ستری **پنجم** روحی **ششم** حقیقی **هفتم** غیبی
اورد سبزه است **دوم** نور کبود است **سیوم** نور زرد است
چهارم نور زرد است **پنجم** نور سفید است **ششم** نور
سیاه است **هفتم** سیاه که بدان نور ذات است **بشاریک**

آب

۷۵
درون آب حیاست **هفتم** نورنی رنگ و بی نشان است
که آن نور ذات مطلق است مراتب سبعة قلبیه عبارت
از این انوار است اما نور همان بمراتب قلبی منحصر
نیست گاه باشد که سالک عالمهای نور ببیند و آن
نور تجلی نباشد یا نور طاعتی از طاعات یا نور خلقی
از اخلاق یا نور اعتقاد یا نور اخلاص یا نور علم
یا نور ذکر یا نور عملی از اعمال صالحه باشد مرسد و
می باید که محل شناسی باشد تا خطا نکند **بدان**
ای عزیز همچنانکه تجلیات لاتنهای است فنا نیز
لاتنهای است چرا که فنا در مقابله تجلی است و هر تجلی
مقتضی فنا می است و هر فنا مقتضی بقا می است بنا برین